

مقدمه

برای تشریحی شفاف شدن کتاب فلسفه دوازدهم چه کارایی باید کرد؟

خب اول هر درس باید بدونی اون درس رو چطوری بخونی. اون درس چقدر بارم داره. چقدر توو امتحان ترم اول و چقدر توو امتحان ترم دوم اهمیت داره. کدوم قسمتاش مهمتره و کدوم قسمتاش کمتر اهمیت داره؛ یعنی قبل از خوندن هر درس به یه مشاوره درست و حسابی نیاز داری. به همین خاطر، هر درس با یه مشاوره کاربردی شروع می‌شه که توو اون مباحثی که بیشترین شانس طراحی سؤال رو دارن، مشخص شده. درباره بارم اون درس توو امتحانا و اینکه چجوری باید اون درس رو بخونی، کلی مشاوره کاربردی داریم.

بعد باید بری درس رو بخونی، ولی نه همین‌جوری؛ از روی یه **درسنامه طبقه‌بندی شده** خوب که هم همه نکات رو آورده باشه و نکته‌ای جا نمونده باشه، هم همه متن کتاب درسی رو طبقه‌بندی کرده باشه؛ طوری که بتونی با جدول و نمودار اونا رو به ذهن بسپری و هم اینکه مطالبی رو که کتاب درسی مبهم توضیح داده، مثل کریستال برات شفاف کرده باشه. برای همین این کتاب پر از درسنامه‌های طبقه‌بندی شده است.

بعدش باید بری سراغ **سؤال**؛ سؤالایی که همه متن و مفهوم کتاب درسی رو پوشش بده؛ یعنی باید از همه متن کتاب درسی، همه مدل سؤال‌هایی رو که ممکنه طراحی بشه، با پاسخ تشریحی درست و حسابی و استاندارد بخونی؛ جوری که هیچ مطلبی نباشه که ازش سؤال طرح نشده باشه؛ یعنی به یه بانک سؤال نیاز داری که **پرسؤال** باشه. حالا آیا درسته که همین طوری به عالمه سؤال رو پشت سر هم بریزیم توو کتاب؟ قطعاً نه! برای همین هر درس بر اساس طرح درس استاندارد، به چند بخش تقسیم و اینجوری از هم جدا شده: **بخش اول**

زیر هر بخش هم مشخص شده که این بخش مربوط به کدوم تیترهای درسه که راحت‌تر مطالب رو پیدا کنی. حالا توو هر بخش چه اتفاقی افتاده؟ از هر بخش از انواع مدل‌هایی که تا حالا توو امتحانای نهایی سؤال طرح شده و حتی مواردی که احتمال داره امسال اضافه بشه، سؤال طرح شده؛ یعنی امکان نداره سؤالایی توو امتحان نهایی طرح بشه و نمونه‌اش رو توو کتاب **پرسؤال** ندیده باشی. اینجوری یعنی قراره با آمادگی کامل بری سر جلسه امتحان.

بعد از مطالعه درسنامه‌های خفن و بررسی همه سؤالای درس به درس، نوبت این رسیده که خودت رو بسنجی و فضای امتحانی رو برای خودت شبیه‌سازی کنی. برای همین توو بخش **آزمون‌های نوبت اول و دوم** کلی سؤال امتحانی بر اساس بارم‌بندی استاندارد امتحانات نهایی اینجا هست تا ببینی با خودت چند چندی. آخر سر هم باید جمع‌بندی کنی و خوب مطالب رو به ذهنت بسپری. روش جمع‌بندی توو این کتاب اینه که همه متن کتاب درسی رو با جای خالی‌های مهم چند بار مرور کنی (مثلاً ۳ بار) که مطمئن بشی با این کار عمراً مطلبی از ذهنت بیرون بیرون و سر جلسه امتحان یادت نیاد. این روش بهترین و استانداردترین روش به خاطر سپردن مطالبه که توضیحش رو توو قسمت **close** کتاب می‌تونی ببینی.

همه این‌ها کنار هم یه کتاب «پروپیمون» می‌خواد، این تو و این

«پرسؤال فلسفه ۲».



بهترین منبع برای شفاف شدن فلسفه دوازدهم، شفاف، مثل کریستال

Crystal clear

Completely transparent and unclouded

Easily understood.

فهرست

درس اول: هستی و چیستی



درس نامه ۶
سؤالات امتحانی ۸
پاسخ نامه ۱۳۸

درس دوم: جهان ممکنات



درس نامه ۱۳
سؤالات امتحانی ۱۵
پاسخ نامه ۱۴۰

درس سوم: جهان علی و معلولی



درس نامه ۱۹
سؤالات امتحانی ۲۱
پاسخ نامه ۱۴۲

درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟



درس نامه ۲۷
سؤالات امتحانی ۲۹
پاسخ نامه ۱۴۴

درس پنجم: خدا در فلسفه ۱



درس نامه ۳۲
سؤالات امتحانی ۳۴
پاسخ نامه ۱۴۶

درس ششم: خدا در فلسفه ۲



درس نامه ۴۰
سؤالات امتحانی ۴۳
پاسخ نامه ۱۴۹

درس هفتم: عقل در فلسفه ۱



درس نامه ۴۹
سؤالات امتحانی ۵۲
پاسخ نامه ۱۵۲

درس هشتم: عقل در فلسفه ۲



درس نامه ۵۹
سؤالات امتحانی ۶۱
پاسخ نامه ۱۵۵

درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام



درس نامه ۶۸
سؤالات امتحانی ۷۰
پاسخ نامه ۱۵۹

درس دهم: دوره میانی



درس نامه ۷۶
سؤالات امتحانی ۷۸
پاسخ نامه ۱۶۲

درس یازدهم: دوران متأخر



درس نامه ۸۶
سؤالات امتحانی ۸۹
پاسخ نامه ۱۶۵

درس دوازدهم: حکمت معاصر



درس نامه ۹۷
سؤالات امتحانی ۱۰۰
پاسخ نامه ۱۶۹

آزمون‌ها

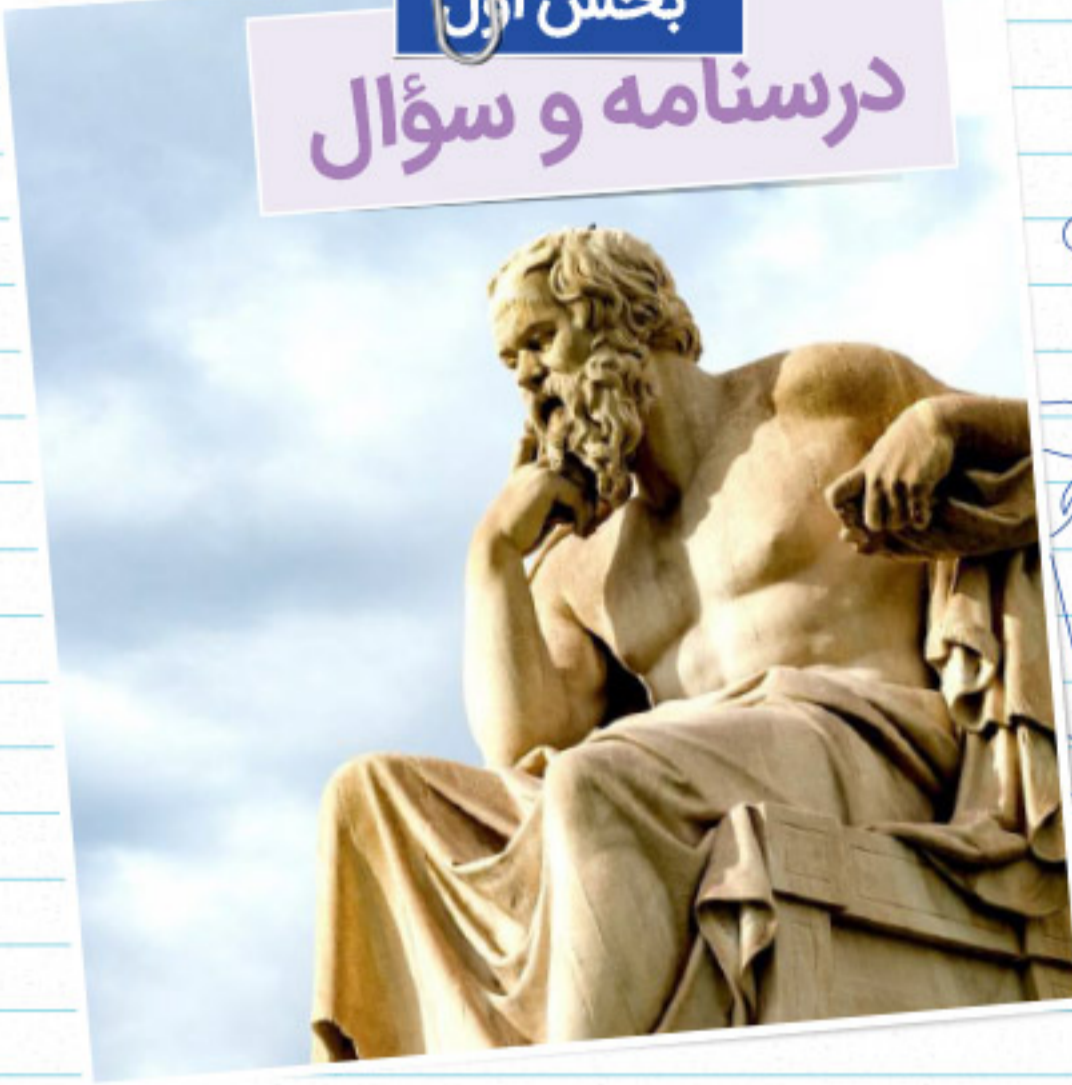


• آزمون شماره ۷ : امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۱ ۱۱۶
پاسخ آزمون شماره ۷ ۱۷۶
• آزمون شماره ۸ : امتحان نهایی شهریور ۱۴۰۱ ۱۱۷
پاسخ آزمون شماره ۸ ۱۷۶
• آزمون شماره ۹ : امتحان نهایی دی ۱۴۰۱ ۱۱۸
پاسخ آزمون شماره ۹ ۱۷۷
• آزمون شماره ۱۰ : امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲ ۱۱۹
پاسخ آزمون شماره ۱۰ ۱۷۸
• مرور به سبک cloze ۱۲۲
پاسخ tick3 , cloze ۱۷۹

• آزمون شماره ۱: امتحان نوبت اول ۱۰۶
پاسخ آزمون شماره ۱ ۱۷۲
• آزمون شماره ۲: امتحان نوبت اول ۱۰۸
پاسخ آزمون شماره ۲ ۱۷۳
• آزمون شماره ۳: امتحان شبیه‌ساز نوبت دوم ۱۰۹
پاسخ آزمون شماره ۳ ۱۷۳
• آزمون شماره ۴: امتحان شبیه‌ساز نوبت دوم ۱۱۰
پاسخ آزمون شماره ۴ ۱۷۴
• آزمون شماره ۵: امتحان شبیه‌ساز نوبت دوم ۱۱۲
پاسخ آزمون شماره ۵ ۱۷۵
• آزمون شماره ۶ : امتحان شبیه‌ساز نوبت دوم ۱۱۴
پاسخ آزمون شماره ۶ ۱۷۵

بخش اول

درسنامه و سؤال





مشاوره این درس از فلسفه دوازدهم درس خیلی مهمیه. از این جهت که هم مباحث مهمی رو توش یاد می‌گیری... که از قضا به مقاری هم سختن... و هم با درس‌های دیگه ارتباط داره. مثلاً با درس ۶ خدا در فلسفه ۲ و درس ۱۱ دوران متأخر که فلسفه ملاصدرا رو قراره توش یاد بگیری. از طرفی چیزایی هم که توو این درس یاد می‌گیری به جورایی پایه‌ای و اصلی هستن. پس خوب یادش بگیر. راستی تا یادم نرفته بگم بازم این درس توو ترم اول ۳ نمره و توو ترم دوم ۱ نمره هست.

هستی (وجود)

موضوع دانش فلسفه: در فلسفه، هر مسئله‌ای مطرح شود، در نهایت به مسئله «وجود» می‌رسیم یا به عبارت دیگر «وجود» موضوع فلسفه است و هر مسئله‌ای که در فلسفه مطرح می‌شود، حول محور «وجود» است.

تعریف وجود: وجود به‌عنوان عام‌ترین و بدیهی‌ترین مفهوم، بی‌نیاز از تعریف است.

در منطق خواندیم که مفاهیم بدیهی از تعریف بی‌نیاز هستند و چنانچه بخواهیم آن‌ها را تعریف کنیم، معمولاً گرفتار تعریف دوری می‌شویم. وجود عام‌ترین و بدیهی‌ترین مفهوم است: زیرا همه انسان‌ها روزانه هزاران بار با آن مواجه هستند. (اینکه امروز کلاس دارید یا نه، اینکه کسی زنگ خانه را می‌زند، اینکه پست‌های اینستاگرامتان لایک خورده یا نه و اینکه امروز تولد شماست، همه مصادیق وجود هستند.) پس مفهوم وجود برای همه انسان‌ها امری بدیهی است.

چیستی (ماهیت)

در منطق خواندیم که تعریف مفهومی برای بیان چیستی یکی مفهوم ارائه می‌شود و در پاسخ سؤال «این چیست؟» می‌آید. مثلاً کتاب، لیوان، صندلی، انسان و... همگی در پاسخ به سؤال «این چیست؟» می‌آیند بنابراین اشاره به ماهیت یک شیء دارند.

تعریف ماهیت: به مفاهیمی که با کنار هم قرار گرفتن، مفهوم دیگری را می‌سازند و چیستی آن مفهوم را بیان می‌کنند، ماهیت آن مفهوم می‌گویند. مثلاً وقتی دو مفهوم شکل و سه‌ضلعی کنار هم قرار می‌گیرند، مفهوم جدیدی به نام مثلث را می‌سازند.

حال که با مفهوم هستی و چیستی آشنا شدیم، لازم است با ارتباط و نسبت این دو مفهوم نیز آشنا شویم. تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی بسیار مهم است زیرا:

- ۱ از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌هاست.
- ۲ معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.

نکته: منظور از نسبت بین وجود و ماهیت در اینجا نسبت‌های چهارگانه (تساوی - تباین - مطلق - منوجه) نیست، بلکه منظور نحوه ارتباط آن‌ها در ذهن و واقعیت است.

شناخت نسبت میان دو مفهوم هستی و چیستی، نیازمند قدم‌های چهارگانه است.

قدم اول: شناخت وجود

در اطراف ما (جهان خارج از ذهن یا واقعیت) چیزهایی «وجود دارد» که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم. [پس اینکه از چیزی استفاده می‌کنیم نشانه وجود آن چیز است.]

ما مطمئن‌ایم جهان خارج از ذهن ما، زاده توهّم و خیالات ذهنی ما نیست، بلکه واقعاً وجود دارد ← زیرا از آن استفاده می‌کنیم. [به این می‌گوییم اصل واقعیت مستقل از ذهن که برخی از سوفیست‌ها اون رو انکار می‌کنن.]

نکته: مستقل از ذهن یعنی چه ما باشیم چه نباشیم و چه جهان را بشناسیم چه نشناسیم، چیزهایی واقعی هستند و وابستگی به ذهن ما ندارند برخلاف نظر پروتاگوراس که می‌گفت هر چیزی که ذهن ما ادراک کند، واقعیت است.

همچنین ما توانایی تشخیص امور غیرواقعی و خیال را نیز داریم: مثلاً می‌دانیم دیو و سراب غیرواقعی و گوریل و آب واقعی هستند.

نتیجه‌گیری

- ۱ ما وجود داریم.
 - ۲ واقعیت مستقل از ذهن ما هم وجود دارد.
 - ۳ ما توانایی تشخیص واقعیت از غیرواقعیت را داریم.
- این سه مورد اولین مبنای فیلسوفان برای شناخت هستی هستند.



قدم دوم: شناخت ماهیت

زمانی که انسان درباره چیزی سؤال «این / آن چیست؟» را می‌پرسد، با ضمیر اشاره «این» و «آن» نشان می‌دهد که چیزی هست: چیزی هست یعنی: در خارج از ذهن انسان و عالم واقعیت وجود دارد.

البته انسان می‌تواند از ماهیت امور غیر موجود هم سؤال بپرسد، اما دیگر نمی‌تواند به آن اشاره حسی کند: مثلاً می‌توان پرسید سیمرغ چیست؟ اما نمی‌توان پرسید این چیست و پاسخ آن سیمرغ باشد.

ضمیر اشاره «این» و «آن» دلالت بر عالم واقعیت دارد: یعنی سؤال درباره امری است که قابل اشاره حسی باشد.

نکته: در سؤال «این / آن چیست؟» چند پیش‌فرض وجود دارد: (۱) وجود داشتن آن چیزی که به آن اشاره می‌کنیم. (۲) ماهیت داشتن آن چیزی که به آن اشاره می‌کنیم. (۳) عدم آگاهی و علم ما به آنچه که به آن اشاره می‌کنیم. در سؤال «این / آن چیست؟» ما می‌خواهیم چیستی (ماهیت) چیزی که وجودش را باور داریم، بشناسیم. به هر آنچه در پاسخ سؤال «این / آن چیست؟» می‌آید، چیستی یا ماهیت گفته می‌شود: برای مثال کتاب / فندق / لیوان و... هر موجودی چیستی و ماهیت مختص به خودش را دارد و به واسطه آن از دیگر موجودات متمایز می‌شود.

وجه اختصاصی موجودات ← ماهیت (که باعث تمایز بین ماهیت‌ها می‌شود). [در اصطلاح فلسفی به تمایز، کثرت هم می‌گویند].
وجه اشتراک موجودات ← وجود (همه موجودات در اینکه وجود دارند با یکدیگر اشتراک دارند)

نکته: ماهیت وجه تمایز همه اشیاء نیست: مثلاً اگر دو شیء از یک نوع باشند، هم در وجود و هم در ماهیت مشترک‌اند یا مثلاً اینکه من و تو هر دو انسان هستیم یعنی اگر به من اشاره کنند و بگویند «این چیست؟»، باز هم جواب انسان است. پس من و تو چون از یک نوع هستیم، هم در وجود و هم در ماهیت مشترک‌ایم.

قدم سوم: مغایرت وجود و ماهیت (مغایرت ذهنی)

اینکه در هر موجودی دو جنبه وجود و ماهیت را تشخیص می‌دهیم، به این معنا نیست که این‌ها اجزای سازنده آن پدیده هستند که با هم ترکیب شده‌اند و آن واقعیت را به وجود آورده‌اند (مثل ترکیب اکسیژن و هیدروژن در به وجود آمدن آب). وجود و ماهیت اجزای سازنده موجودات نیستند، بلکه حیثیت و جنبه‌های مختلف آن محسوب می‌شوند. در واقع وجود و ماهیت مانند دو روی یک سکه هستند. هستی و چیستی (وجود و ماهیت) صرفاً در ذهن از هم متمایز می‌شوند: دو مفهوم مختلف‌اند.

نکته: وقتی از مفهوم صحبت می‌کنیم، حواسمان هست که جایگاه مفاهیم در ذهن است. در عالم خارج (واقعیت)، هر پدیده یک حقیقت یکپارچه است که با تجزیه و تحلیل عقلی، دو مفهوم وجود و ماهیت را به آن نسبت می‌دهیم. پس می‌توان گفت:

وجود و ماهیت دو مفهوم متفاوت هستند که مصداقی واحد دارند.

مثال: زهرا هم موجود است و هم انسان و این‌طور نیست که وجود و انسان با هم ترکیب شوند و زهرا ساخته شود. 😊

وجود و ماهیت در عالم خارج یا عالم واقعیت که در اصطلاح فلسفی به آن عین هم می‌گویند غیرقابل تفکیک هستند، یعنی یکی شده‌اند و وحدت پیدا کرده‌اند اما در ذهن قابل تفکیک هستند، یعنی دو چیز هستند و مغایرت دارند. از نگاه علم شیمی، آب ترکیبی از دو عنصر است اما از نگاه فلسفی، آب یک موجود واحد و غیرمرکب است که تنها از نظر ذهنی می‌توان دو حیثیت یا دو جنبه وجود (هستی) و ماهیت (چیستی) را برایش قائل شد. فارابی اهمیت ویژه‌ای برای بحث تفاوت «وجود» و «ماهیت» و تمایز ذهنی این دو مفهوم از یکدیگر قائل بود. (پیش از فارابی، ارسطو در کتاب «مابعدالطبیعه» وجود را از ماهیت جدا می‌سازد، هر چند به توضیحات کوتاه اکتفا می‌کند). ابن‌سینا راه فارابی را ادامه داد و نکات بسیار مهمی را در این زمینه مطرح کرد. ابن‌سینا تمایز وجود و ماهیت را **مغایرت وجود و ماهیت** نامید.

نکته: مغایرت (غیر بودن) به معنای یک چیز نبودن است، در واقع وقتی می‌گوییم وجود و ماهیت مغایرت دارند، یعنی وجود و ماهیت یک چیز نیستند.

قدم چهارم: اثبات منطقی مغایرت وجود و ماهیت

ابن‌سینا از طریق بررسی رابطه موضوع و محمول در قضایا، استدلال‌هایی برای اثبات مغایرت وجود و ماهیت ارائه کرد. قضیه حمله از لحاظ نوع رابطه میان موضوع و محمول به دو دسته تقسیم می‌شود:

حمل بی‌نیاز از دلیل: میان مفهوم موضوع و مفهوم محمول رابطه همیشگی برقرار است.

- محمول برای حمل به موضوع به دلیل نیاز ندارد، یعنی نمی‌توان از چرایی این قضیه سؤال کرد: مثل «چرا فیل حیوان است؟»
انسان حیوان ناطق است. مثلث شکل سه‌ضلعی است.
موضوع محمول موضوع محمول

حمل نیازمند به دلیل: میان مفهوم موضوع و مفهوم محمول رابطه همیشگی برقرار نیست.

• در این نوع حمل، موضوع و محمول هم‌مفهوم نیستند.

• نسبت دادن محمول به موضوع نیازمند دلیل است، یعنی سؤال از چرایی این قضیه معنادار است: مثل «چرا دم خر دراز است؟» 😊

• رابطه ضروری میان آن‌ها برقرار نیست.

انسان موجود است. انسان شجاع است.

موضوع محمول موضوع محمول

این سینا از این تقسیم‌بندی نتیجه می‌گیرد: از آنجایی که حمل وجود بر هر ماهیتی از نوع حمل غیر ضروری است، پس وجود و ماهیت مغایر یکدیگر هستند. چرا که اگر مفهوم وجود و مفهوم ماهیت مغایر نبودند و یکی بودند، دو قضیه الف موجود است [حمل وجود بر ماهیت] و الف الف است [حمل ماهیت بر ماهیت] باید یکی می‌شدند چون موضوع و محمول و نسبت آن‌ها یکی بود. حال چون یکی ضروری و یکی غیر ضروری است، متوجه می‌شویم که محمول‌های متفاوت دارند، یکی از این محمول‌های متفاوت وجود و دیگری ماهیت است. پس وجود و ماهیت یکی نیستند.

راه میانبر تشخیص نیازمند دلیل بودن یا نبودن

اگر بتوان از چرایی آن حمل سؤال کرد و این سؤال پاسخ داشته باشد، حمل نیازمند دلیل است: مثل چرا مثلث سه زاویه دارد؟ چون سه ضلع دارد.

اگر نتوان از چرایی آن حمل سؤال کرد و این سؤال پاسخ نداشته باشد، آن حمل بی‌نیاز از دلیل است: مثل چرا مثلث شکل است؟ 😊

در حاشیه کتاب درسی توو پاورقی دو نوع دیگه از حمل رو یاد داده که بهتره اینارو هم یاد بگیری: حمل اولی ذاتی و حمل شایع صنعتی.

کتاب میاد میگه آگه محمول برای موضوع ذاتی باشه. بهش می‌گیم حمل اولی ذاتی و آگه ذاتی نباشه. بهش می‌گیم حمل شایع صنعتی.

مثلاً قضیه «انسان حیوان است» چون مفهوم حیوان برای انسان ذاتیه پس همیشه اولی ذاتی ولی قضیه «انسان شجاع است» چون شجاع برای انسان ذاتی نیست پس این حمل همیشه شایع صنعتی.

حال سؤال پیش میاد که چطوری بفهمیم به مفهوم ذاتی به مفهوم دیگه هست یا نیست. راه تشخیصش اینه که ببینی بدون اون محمول همیشه اون موضوع رو تعریف کرد یا نه. آگه همیشه. اون مفهوم همیشه عرضی و آگه نمیشه. اون مفهوم همیشه ذاتی: مثلاً همیشه بدون مفهوم سه زاویه مثلث رو تعریف کرد؟ بنه. پس سه زاویه برای مثلث همیشه عرضی یا مثلاً همیشه بدون مفهوم شکل مثلث رو تعریف کرد؟ نه. پس شکل برای مثلث همیشه ذاتی.

حواست باشه که حمل بی‌نیاز از دلیل و نیازمند به دلیل بهتر تیب با اولی ذاتی و شایع صنعتی مصداق یکی دارن ولی از نظر تعریف با هم متفاوت هستن. به حمل دیگه هم هست: حمل ضروری و غیر ضروری که توو درس بعد می‌خونیمش.

توجه ویژه ابن سینا به بحث مغایرت وجود و ماهیت موجب ← طرح مباحث جدیدی در فلسفه اسلامی تا عصر ملاصدرا و حتی امروز گردید.

از اساسی‌ترین آرای فلسفی در تفکر اسلامی (نه فلسفه اسلامی)

پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا (برهان وجوب و امکان)

توماس آکوئیناس ← گسترش دهنده بحث مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا در اروپا که مناقشات زیادی را در پی داشت.

بنیان‌گذار فلسفه تومیسیم در اروپا شد. (فلسفه‌ای که از دلایل فلسفی و منطقی برای اثبات مسائل دینی استفاده می‌کرد).

فلسفه او مبتنی بر دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی دیدگاه‌های ابن رشد بود.

مانند ابن سینا، بحث مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان‌های خداشناسی خود قرار داد.

موجب آشنایی اروپا با اندیشه‌های ابن سینا و ابن رشد شد و از این طریق، اروپا بار دیگر با فلسفه ارسطویی آشتی کرد (در دوران حاکمیت کلیسا، فلسفه کفر شمرده شده بود، اما با تلاش‌های توماس، با معرفی فلاسفه‌ای همچون ابن سینا و ابن رشد، اروپایی‌ها به این نتیجه رسیدند که می‌توان از فلسفه در خدمت دین استفاده نمود).

سؤالات امتحانی

بخش اول

مقدمه - قدم اول - قدم دوم

الف) درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید و جملات نادرست را اصلاح کنید.

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

- اولین مبحث برای ورود به فلسفه، درک دو مفهوم هستی و چیستی است.
- وجود و ماهیت از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند.
- هستی و چیستی مفاهیمی هستند که همواره در کنار هم به کار می‌روند.
- «اصل واقعیت»، اصلی است که رفتارهای طبیعی انسان‌ها بیانگر آن است.
- ما از چیزهایی که در اطرافمان هستند، برحسب نیازمان استفاده می‌کنیم.
- ما انسان‌ها می‌دانیم که می‌توانیم به موجودات پیرامون خود علم پیدا کنیم.
- خصوصیات هر شیء با شیء دیگر حتماً متفاوت است.
- اشاره کردن به چیزی نشان‌دهنده علم به ماهیت و چیستی آن است.



۹. شناخت هر شیء یعنی شناخت ماهیت آن شیء.

۱۰. یکی از ارکان ماهیت هر شیء، ویژگی‌ای است که آن را از دیگر موجودات متمایز می‌کند.

۱۱. ذاتیات یک شیء در منطق و فلسفه، ویژگی‌های مخصوص نام دارند.

۱۲. وجود و هستی هر شیء بیانگر ذاتیات آن شیء است.

۱۳. وجه اشتراک موجودات، وجود است.

۱۴. انسان در هر چیزی دو جزء مشاهده می‌کند: وجود و ماهیت.

۱۵. پاسخ سؤال «این چیست؟»، ماهیت آن شیء است.

ب جاهای خالی را با کلمات یا جملات مناسب کامل کنید.

۱۶. یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم و و تعیین نسبت میان آنهاست.

۱۷. رفتار طبیعی ما در برخورد با پیرامون بیانگر این است که چیزهایی هستند.

۱۸. ما انسان‌ها می‌دانیم که پیرامون ما وجود دارند.

۱۹. یک کودک با سؤال «این چیست؟» در مورد یک حیوان نشان می‌دهد که به آن پی برده است.

۲۰. شناخت یک شیء یعنی آگاهی از آن شیء.

۲۱. ویژگی‌های مخصوص یک شیء آن را از دسته دیگر موجودات می‌کند.

۲۲. ویژگی‌های مخصوص یک شیء در منطق و فلسفه نام دارند.

۲۳. هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

۲۴. انسان در هر چیزی دو جنبه می‌یابد: و

۲۵. وجود، وجه موجودات است و ماهیت، وجه آنها.

ج عبارتهای زیر را به مفاهیم موردنظر در ستون مقابلشان وصل نمایید.

- | | | |
|--|---|--------------------|
| ۲۶. از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها | • | الف) وجود |
| ۲۷. اصل فلسفی که رفتار طبیعی انسان‌ها بیانگر آن است. | • | ب) ذاتیات |
| ۲۸. وجه اشتراک موجودات | • | ج) ویژگی‌های مخصوص |
| ۲۹. ویژگی‌های مخصوص در منطق و فلسفه | • | د) اصل واقعیت |
| ۳۰. بیان‌کننده ذاتیات | • | ه) وجود و ماهیت |
| | • | و) ماهیت |

د در جملات زیر کلمه مناسب داخل پرانتز کدام است؟

۳۱. از پرکاربردترین مفاهیم میان، وجود و ماهیت است. (فیلسوفان / انسان‌ها)
۳۲. وجود و ماهیت در کنار هم به کار می‌روند. (معمولاً / همیشه)
۳۳. ما انسان‌ها که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند. (می‌دانیم / اثبات می‌کنیم)
۳۴. سؤال از ماهیت یک شیء کدام است؟ (چرا هست؟ / چیست؟)
۳۵. استفاده از کلمات اشاره و پرسش از چیستی یک چیز، نشان‌دهنده این است که به اشیاء پی برده‌ایم. (وجود / ماهیت)
۳۶. استفاده از کلمات اشاره و پرسش از چیستی یک چیز، نشان‌دهنده این است که را پذیرفته‌ایم. (ماهیت داشتن آن / علم به وجود آن)
۳۷. ویژگی‌های مخصوص هر شیء آن را از جدا می‌کند. (دسته دیگر موجودات / موجودات دیگر)
۳۸. ویژگی‌های مخصوص هر شیء در ذاتیات نامیده می‌شوند. (منطق / منطق و فلسفه)
۳۹. انسان در هر چیز دو می‌یابد. (جنبه / جزء)
۴۰. دو شیء هم در ماهیت و هم در وجود مشترک باشند. (می‌توانند / نمی‌توانند)

ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۴۱. اصل واقعیت بیانگر چیست؟
۴۲. اصل واقعیت به چه معناست؟
۴۳. شناخت اشیاء در گرو شناخت کدام جنبه از آنها است؟
۴۴. ویژگی‌های مخصوص هر شیء در منطق و فلسفه چه نام دارند؟
۴۵. دو جنبه‌ای که با مشاهده هر چیزی توسط انسان یافته می‌شود، کدام‌اند؟



9 به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۴۶. با ذکر یک مثال از رفتارهای طبیعی انسان، اصل واقعیت را توضیح دهید.
 ۴۷. توضیح دهید که آگاهی از چیستی یک شیء در گرو چه مفاهیمی است؟
 ۴۸. پیش فرض‌ها و هدف از سؤال «این چیست؟» را به صورت کامل بیان کنید.
 ۴۹. توضیح دهید در چه صورت دو شیء هم در هستی و هم در چیستی یکسان‌اند و در چه صورت فقط در هستی یکسان می‌باشند؟
 ۵۰. سه ویژگی مشترک بین دو مفهوم «وجود و ماهیت» بیان کنید.

بخش دوم

قدم سوم - قدم چهارم - گذری تاریخی

الف درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید و جملات نادرست را اصلاح کنید.



۵۱. فارابی، راه ابن‌سینا در مورد نسبت میان وجود و ماهیت را ادامه داد.
 ۵۲. وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند، یعنی آن‌ها دو جزء از یک موجودند.
 ۵۳. از نگاه علوم تجربی و فلسفه، آب موجودی واحد است که از اکسیژن و هیدروژن ترکیب شده است.
 ۵۴. در خارج از ذهن، دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم.
 ۵۵. جملاتی که به مسائل روزمره ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، می‌توانند دارای تبیین فلسفی باشند.
 ۵۶. برخی امور وجود دارند که از هستی‌شان خبر داریم، اما چیستی آن‌ها چندان برای ما روشن نیست؛ مثل پری دریایی.
 ۵۷. نام‌گذاری بحث نسبت وجود و ماهیت در فلسفه اسلامی، توسط ابن‌سینا انجام شد.
 ۵۸. حمل وجود بر انسان با حمل ماهیت بر انسان کاملاً متفاوت است.
 ۵۹. اگر اجزای تعریفی یک مفهوم را بر آن حمل کنیم، آن حمل، حمل ماهیت بر ماهیت است.
 ۶۰. ماهیت یک شیء از آن جدایی‌ناپذیر است.
 ۶۱. اگر در حملی، ذات یک شیء بر آن حمل شود آن حمل نیازمند دلیل نیست.
 ۶۲. دلیل در حمل‌های وجودی حتماً باید عقلی باشد.
 ۶۳. حملی که در آن ذاتیات بر ذات حمل می‌شود، حمل شایع ذاتی نام دارد.
 ۶۴. اگر در حملی، موضوع و محمول یکی باشند، آن حمل حتماً از نوع اولی ذاتی است.
 ۶۵. معلول توجه خاص ابن‌سینا به بحث مغایرت وجود و ماهیت این بود که این بحث مقدمه مباحث جدیدی قرار گرفت.
 ۶۶. فرق بین وجود و ماهیت، اساسی‌ترین عقیده فلسفی در تفکر اسلامی است.
 ۶۷. مغایرت وجود و ماهیت در ذهن، پایه برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خداست.
 ۶۸. ابن‌رشد که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را گسترش داد.
 ۶۹. توماس آکوئیناس مانند ابن‌سینا اصل مغایرت را پایه برهان وجوب و امکان در خداشناسی قرار داد.
 ۷۰. توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی می‌زیست و فلسفه تومیسیم را پایه‌گذاری کرد.
 ۷۱. فلسفه تومیسیم امروزه در اروپا دیگر جریان ندارد.
 ۷۲. گسترش اصل مغایرت در اروپا توسط آکوئیناس، مقدمه طرح مباحث جدیدی شد.
 ۷۳. فلسفه توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد بود.
 ۷۴. فلسفه تومیسیم باعث شد فلاسفه غربی مجدداً با فلسفه افلاطون آشنا شوند.

ب جاهای خالی را با کلمات یا جملات مناسب کامل کنید.

۷۵. فیلسوف بزرگ مسلمان که به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه‌ای کرد، نام داشت.
 ۷۶. از نظر ابن‌سینا وقتی می‌گوییم وجود و ماهیت دو از یک چیزند، به این معنا نیست که دو از یک چیزند.
 ۷۷. از نگاه هر شیء یک موجود واحد است.
 ۷۸. در خارج از ذهن انسان، دو امر جداگانه به نام‌های و نداریم.
 ۷۹. در عبارت «انسان حیوان ناطق است» به وسیله تعریف شده است.
 ۸۰. مفاهیمی که اجزای تعریفی یک مفهوم هستند، آن را تشکیل می‌دهند.

۸۱. اگر مفهومی چیستی یک مفهوم دیگر را بیان کند، در واقع بیان‌کننده و آن است.
۸۲. وقتی مفهوم وجود را بر هر ماهیتی حمل می‌کنیم، هستیم.
۸۳. حملی که در آن امور غیرذاتی بر ذات حمل می‌شوند، نام دارد.
۸۴. بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در فرق بین وجود و ماهیت است.
۸۵. مغایرت وجود و ماهیت، پایهٔ برهان ابن‌سینا است.
۸۶. فیلسوفی که اصل مغایرت را در اروپا گسترش داد نام داشت.
۸۷. مکتب فلسفی توماس آکوئیناس است.
۸۸. فلسفهٔ توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های و تا حدودی بود.
۸۹. فلاسفهٔ غرب از طریق با اندیشه‌های عقلی ابن‌سینا آشنا شدند.

ج عبارتهای زیر را به مفاهیم موردنظر در ستون مقابلشان وصل نمایید.

- | | | |
|-----------------------------------|---|-------------------------|
| ۹۰. مغایرت بین وجود و ماهیت | ⊙ | ⊙ (الف) ترکیبی از عناصر |
| ۹۱. نگاه علوم تجربی در مورد اشیاء | ⊙ | ⊙ (ب) حمل اولی ذاتی |
| ۹۲. حمل شکل بر مثلث | ⊙ | ⊙ (ج) بیان‌کنندهٔ حقیقت |
| ۹۳. قضیهٔ «مثلث سه زاویه دارد» | ⊙ | ⊙ (د) در ذهن |
| ۹۴. اجزای تعریفی هر مفهوم | ⊙ | ⊙ (ه) حمل شایع صناعی |
| ۹۵. برهان ابن‌سینا در اثبات خدا | ⊙ | ⊙ (و) آکوئیناس |
| ۹۶. پایه‌گذار مکتب تومیسیم | ⊙ | ⊙ (ز) در واقعیت |
| ۹۷. طریق آشنایی مجدد غرب با ارسطو | ⊙ | ⊙ (ح) وجوب و امکان |
| | | ⊙ (ط) ابن‌سینا |

د در جملات زیر کلمهٔ مناسب داخل پرانتز کدام است؟

۹۸. حمل مجول بر انسان کدام است؟ (بی‌نیاز از دلیل / نیازمند به دلیل)
۹۹. هستی و چیستی (دو مفهوم از یک چیزند / دو جزء از یک موجودند).
۱۰۰. دو امر جداگانه به نام‌های وجود و ماهیت مربوط به کدام است؟ (ذهن / خارج)
۱۰۱. چیزی که از هستی‌اش خبر داریم، اما چیستی آن چندان برایمان روشن نیست. (روح / پری دریایی)
۱۰۲. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیلهٔ حیوان ناطق (تعریف شده است / به وجود آمده است).
۱۰۳. حمل مثلث بر شکل (اولی ذاتی / شایع صناعی)
۱۰۴. حمل شکل بر مثلث (اولی ذاتی / شایع صناعی)
۱۰۵. مبنای فلسفهٔ توماس آکوئیناس (ابن‌سینا / ابن‌رشد)
۱۰۶. کدام بی‌نیاز از دلیل است؟ (انسان ناطق است / مثلث سه زاویه است)
۱۰۷. نظر چه کسی دربارهٔ مغایرت وجود و ماهیت مورد توجه فلاسفهٔ مسلمان قرار گرفت؟ (ابن‌سینا / توماس آکوئیناس)

ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱۰۸. تفاوت علوم تجربی و فلسفه در نگاه به اشیاء در چیست؟
۱۰۹. دو جزء از یک چیز در چه زمانی آن چیز را می‌سازند؟
۱۱۰. حمل اولی ذاتی را تعریف کنید.
۱۱۱. چرا دو مفهوم «انسان» و «حیوان ناطق» از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند؟
۱۱۲. رابطهٔ حمل بی‌نیاز از دلیل و اولی ذاتی از بین نسبت‌های چهارگانه کدام است؟
۱۱۳. دو نوع از دلیل‌های حمل‌های نیازمند دلیل را نام ببرید.
۱۱۴. توماس آکوئیناس کدام مطلب را در اروپا گسترش داد؟

۹ به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۱۵. توضیح دهید که وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند، کدام برداشت غلط منتفی است. چرا؟ (با ذکر مثال)
۱۱۶. تفاوت حمل اولی ذاتی با شایع صناعی را توضیح داده (با ذکر مثال) و نسبت آن‌ها را با حمل‌های نیازمند و بی‌نیاز از دلیل بیان کنید.
۱۱۷. توضیح دهید اگر وجود همین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، چه مشکلی پیش می‌آمد؟ (۲ مورد برای هر کدام)
۱۱۸. رابطه بین چهار فیلسوف «توماس آکوئیناس / ابن‌سینا / ابن‌رشد / ارسطو» را توضیح دهید.
۱۱۹. دلیل ابن‌سینا مبنی بر مغایرت وجود و ماهیت با توجه به انواع حمل را با ذکر مثال توضیح دهید.
۱۲۰. سه گزاره بنویسید که مربوط به مسائل روزمره‌اند و قضایای فلسفی نیستند، اما تبیین فلسفی مربوط به بحث مغایرت وجود و ماهیت دارند و تبیین فلسفی آن‌ها را توضیح دهید.

بخش سوم

وقت نهایی

الف درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را مشخص کنید و جملات نادرست را اصلاح کنید.

۱۲۱. وجود، وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آن‌ها می‌باشد. (خرداد ۹۹)
۱۲۲. میان انسان به‌عنوان یک «ماهیت» و «وجود»، رابطه ذاتی برقرار است. (دی ۹۹)
۱۲۳. حمل «جسم» بر «مداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد. (خرداد ۱۴۰۰)
۱۲۴. در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آن‌ها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. (شهریور ۱۴۰۰)
۱۲۵. حمل حیوان ناطق بر انسان، به دلیل نیاز دارد. (دی ۱۴۰۰)

ب جاهای خالی را با کلمات یا جملات مناسب کامل کنید.

۱۲۶. نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود و نظریه «فرق وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد، بوده است. (شهریور ۹۹)
۱۲۷. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که از اشیاء آگاه است. (شهریور ۱۴۰۰)

ج گزینه درست را انتخاب نمایید.

۱۲۸. کدام اصل، پایه برهان وجوب و امکان ابن‌سینا قرار گرفته است؟ (خرداد ۹۹)
- (۱) مغایرت وجود و ماهیت (۲) تقدم علت بر معلول

د در جملات زیر کلمه مناسب داخل پرانتز کدام است؟

۱۲۹. فیلسوفان غربی از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد، مجدداً با فلسفه (افلاطون / ارسطو) آشنا شدند. (دی ۹۹)
۱۳۰. در قرن ۱۳ میلادی، فلاسفه غرب از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه (افلاطون / ارسطو) آشنا شدند. (خرداد ۱۴۰۰)
۱۳۱. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می‌دهد که به (وجود / ماهیت) اشیاء پی برده است. (دی ۱۴۰۰)

ه به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱۳۲. به ترتیب، وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟ (دی ۹۹)
۱۳۳. چرا در حمل «شکل سه‌ضلعی» بر «مثلث»، نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟ (شهریور ۱۴۰۰)
۱۳۴. یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که «نظریه مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده‌اند، نام ببرید. (دی ۱۴۰۰)
۱۳۵. وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات را به ترتیب بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰)

و به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۳۶. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «موجود» بر انسان چیست؟ توضیح دهید. (خرداد ۹۹)
۱۳۷. تفاوت حمل «شکل سه‌ضلعی» بر «مثلث» با حمل «موجود» بر «مثلث» چیست؟ توضیح دهید. (شهریور ۹۹)

به نام خدای مهربان

بانک سؤالات نهایی

دوازدهم

مجموعه کتاب‌های
پرسؤال

فلفه ۲

• در سنامه‌های طبقه‌بندی شده برای شفاف شدن متن و مفاهیم کتاب درسی

• ۲۷۰۰۰ سوال امتحانی تألیفی و نهایی

• آزمون‌های شبیه‌ساز نهایی

• سید حسام‌الدین جلالی طهرانی

• مؤسس سیدین بروجنی


هومان


مهروماه

بخش سوم

پیوست





مرور به سبک Cloze

مشاوره یعنی همیشه کسی امتحان نهایی فلسفه داشته باشد و ندونه که متن کتاب درسی خیلی مهمه و باید مو به مو بدر باشه! Cloze سبک جدید مرور متنه که اولین بار اینجا می بینیم. قسمت های مهم هر درس عین متن کتاب درسی اینجا هست. متن رو بخون و جاهای خالی رو پر کن. با پاسخنامه چک کن. آگه درست بود تیک (✓) بزن و آگه غلط بود ضربدر (X) بزن. این کار رو برای کل کتاب دوازدهم سه (1) (2) (3) بار انجام بده. اینجوری سه بار کل کتاب دوازدهم رو مرور کردی. حالا وقتشه اونایی که بیشتر از یک ضربدر (X) دارن رو مرور کنی که به همه متن مسلط بشی. بزن بریم!

درس ۱

کودک با استفاده از کلمه (۱) یا (۲) نشان می دهد که به (۳) حیوانات پی برده است و می داند که آن ها (۴) اما از (۵) آن ها آگاه نیست. او می خواهد حیوانات را (۶) و از چیستی شان آگاه شود. یعنی می خواهد بداند چه ویژگی های (۷) دارند که آن ها را از (۸) موجودات متفاوت و متمایز می کند. این ویژگی های (۹) را در (۱۰) و (۱۱) ذاتیات یک شیء هم می گویند. به عبارت دیگر (۱۲) و چیستی هر شیء بیانگر (۱۳) آن شیء است. پس می توانیم بگوییم: انسان در هر چیزی که مشاهده می کند (۱۴) جنبه مشاهده می کند: موجود بودن که وجه (۱۵) موجودات است و (۱۶) که وجه اختصاصی آن ها است.

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان وجود و ماهیت (۱۷) کرد و در (۱۸) میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح نمود. (۱۹) فیلسوف دیگر مسلمان، راه فارابی را ادامه داد. از نظر ابن سینا دو معنا و دو مفهوم چیستی و هستی از (۲۰) به دست می آیند، یعنی در (۲۱) دو امر جداگانه نداریم. هستی و چیستی دو (۲۲) مختلف از یک (۲۳) هستند. از نظر او حمل وجود بر انسان با حمل (۲۴) بر انسان کاملاً متفاوت است؛ بنابراین مفهوم انسان به عنوان یکی از (۲۵) با مفهوم وجود (۲۶) است و رابطه (۲۷) بین آن ها برقرار نیست. این فیلسوف بحث (۲۸) را پایه یکی از برهان های اثبات (۲۹) قرار داد و در این زمینه بر فیلسوف اروپایی که (۳۰) نام داشت، تأثیر گذاشت. او که در قرن (۳۱) زندگی می کرد، فلسفه (۳۲) را در اروپا پایه گذاری نمود که بیشتر متکی به آرای (۳۳) و تا حدودی متکی به آرای (۳۴) بود. همین امر فرصتی فراهم کرد که فلاسفه غرب با اندیشه های (۳۵) ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق مجدداً با (۳۶) ارتباط برقرار کنند. نظر مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا مورد توجه (۳۷) نیز قرار گرفت و زمینه ساز گفت و گوهای مهم فلسفی در (۳۸) نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

درس ۲

عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست پس رابطه عدد چهار و زوج یک رابطه (۱) است. پس می توان گفت محمول زوج برای عدد چهار (۲) است. اما صورتی برای لباس (۳) نیست یعنی لباس هم می تواند این (۴) را بپذیرد و هم می تواند نپذیرد یعنی صورتی برای این موضوع حالت (۵) دارد. بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که رابطه وجود با موضوعات مختلف (۶) حالت است؛ مثلاً رابطه خاک با وجود (۷) خدا با وجود (۸) و عدد بی نهایت با وجود (۹) است. بنابراین هر کدام از موضوعات خاک، خدا و عدد بی نهایت به ترتیب (۱۰)، (۱۱) و (۱۲) نام دارند. سؤالی که مطرح می شود این است که چرا موضوعاتی که (۱۳) هستند در عین اینکه فقط (۱۴) وجود دارند اکنون موجودند؟ (۱۵) و (۱۶)، دو فیلسوف بزرگ اسلامی، به این سؤال پاسخ داده اند و گفته اند چون این موجودات در (۱۷) خود ممکن الوجود هستند، این رابطه امکانی به (۱۸) آن ها اجازه می دهد که اگر (۱۹) وجود آن ها فراهم شود، در (۲۰) تحقق یابند. با این توضیح می توان حالت (۲۱) را به ترازویی تشبیه کرد که دو کفه آن در حالت (۲۲) قرار دارند و هیچ کفه ای بر کفه دیگر (۲۳) ندارد. زیرا عقلاً (۲۴) است که (۲۵) یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند. پس وقتی می گوئیم رابطه یک موضوع با وجود (۲۶) است، منظور این است که هم می تواند باشد هم نباشد. ذات وی به گونه ای نیست که حتماً باشد. همچنین ذات وی به گونه ای نیست که حتماً نباشد. با بودن (۲۷) وجود برای آن (۲۸) می شود و آن موضوع (۲۹) می گردد. پس در حال حاضر همه اشیایی که موجودند، (۳۰) هستند اما به واسطه (۳۱) نه به واسطه (۳۲). این ها (۳۳) هستند.



درس ۳

انسان از همان اوایل کودکی که زبان می‌گشاید، از (۱) و (۲) اشیاء پرسش می‌کند. این سؤالات با بزرگ‌تر شدن کودک (۳) و (۴) می‌شوند و تا پایان عمر ادامه دارند. این سؤالات اغلب مربوط به بحث هلیت هستند. شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را به خود مشغول داشته و او را به تفکر وادار کرده، (۵) باشد. انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی کره زمین به دنبال (۶) بوده است. رابطه (۷) میان هلت و معلول را رابطه هلیت می‌گویند و کلمه (۸) بازتابی از درک همین رابطه در ذهن انسان‌ها است. این رابطه هلیت با بقیه روابط فرق دارد و متفاوت است؛ زیرا در باقی روابط ابتدا (۹) فرض می‌شود سپس میان آن‌ها ارتباط برقرار می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در زمینه رابطه هلیت بین فیلسوفان بحث وجود دارد این است که منشأ پذیرش و درک رابطه هلیت چیست یعنی منشأ باور عمومی به اصل هلیت دقیقاً کجاست. دکارت به‌عنوان یک فیلسوف (۱۰) معتقد بود که این اصل بدون دخالت (۱۱) به‌دست می‌آید و جزء اصول (۱۲) است که انسان آن را به‌طور (۱۳) درک می‌کند. او البته توجه داشت که یافتن (۱۴) نیازمند تجربه است. اما تجربه‌گرایان که هر چیزی را براساس (۱۵) و (۱۶) تحلیل می‌کنند، بر این باورند که انسان از طریق حس (۱۷) یا (۱۸) پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطه (۱۹) میان هلت و معلول را درمی‌یابد و از این طریق (۲۰) را بنا می‌نهد و درک می‌کند.

در این میان (۲۱) نظر خاصی نسبت به تجربه‌گرایان دارد. او می‌گوید رابطه (۲۲) میان هلت و معلول یک موضوع (۲۳) نیست و آن را نمی‌توان از طریق مشاهده (۲۴) و (۲۵) به‌دست آورد. او می‌گوید بر اثر (۲۶) مشاهده دو حادثه (۲۷) در ذهن ما چنین منعکس می‌شود که یک رابطه (۲۸) میان آن‌ها برقرار است. او این انعکاس ذهنی را (۲۹) می‌نامد و می‌گوید چیزی جز یک (۳۰) ناشی از (۳۱) پدیده‌ها نیست. اما فیلسوفان مسلمان این اصل را یک اصل (۳۲) می‌دانند و آن را پایه و اساس (۳۳) می‌دانند. آن‌ها معتقدند که این گونه نیست که انسان به‌طور (۳۴) با این قاعده آشنا بوده باشد. همین که ذهن انسان شکل گرفت، متوجه اصل (۳۵) می‌شود و براساس این اصل درمی‌یابد که پدیده‌ها (۳۶) به‌وجود نمی‌آیند. بنابراین با اینکه کشف (۳۷) از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد اما خود (۳۸) از این طریق به‌دست نمی‌آید.

این اصل هلیت دو اصل دیگر نیز در کنار خود دارد؛ یکی اصل (۳۹) که همه انسان‌ها طبق همین اصل رفتار می‌کنند و با (۴۰) خود این حقیقت را قبول دارند. یکی از نتایج این اصل این است که انسان از هر چیزی انتظار آثار (۴۱) با آن را دارد. این اصل پشتوانه عقلی (۴۲) جهان است و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، (۴۳) خود را پیگیری می‌کنند. لازمه و نتیجه این اصل (۴۴) و (۴۵) میان دسته‌های مختلف پدیده‌ها است. اما اصل بعدی که در کنار اصل هلیت پذیرفته می‌شود، اصل (۴۶) است که طبق این اصل معلول با قطع نظر از هلت (۴۷) دارد و با آمدن هلت وجود معلول (۴۸) می‌یابد و (۴۹) می‌شود. لازمه و نتیجه این اصل (۵۰) و (۵۱) در نظام هستی است. بهتر است از خود اصل هلیت غافل نشویم. با قبول این اصل به (۵۲) و (۵۳) اجزای جهان پی می‌بریم و در مواجهه با هر پدیده‌ای در پی (۵۴) آن برمی‌آییم. پس می‌توان لازمه و نتیجه اصل هلیت را (۵۵) و (۵۶) میان هر شیء و منشأ آن دانست.

درس ۴

از کلماتی که در گفت‌وگوهای روزمره همه (۱) کاربرد دارد، اتفاق است. برخی از فیلسوفان نظریاتی داده‌اند که می‌توان از آن‌ها این مفهوم را برداشت کرد. مثلاً (۲)، اندیشمند یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم‌ها هستند. او معتقد است که اتم ذره ریز (۳) و (۴) است. این‌ها در فضای (۵) پراکنده بوده و به شکلی (۶) حرکت می‌کردند و برخوردهایی با هم داشته‌اند. در این برخوردهای (۷)، ذراتی که (۸) و (۹) بوده‌اند گرد هم آمدند و (۱۰) را تشکیل دادند. شکل دیگری از اتفاق که در دوره‌های اخیر مطرح شده، برگرفته از گفته‌های برخی (۱۱) است که می‌گویند: از ابتدای پیدایش (۱۲) بر روی کره زمین، (۱۳) بی‌شماری پدید آمده‌اند که بیشتر آن‌ها به هلت (۱۴) از بین رفته‌اند. در طول این زمان‌ها، تحولات بسیاری در (۱۵) این موجودات رخ داده که هیچ کدام از این تحولات متناسب و سازگار با (۱۶) نبوده و تمام آن موجودات از بین رفته‌اند. فقط آن دسته از جانداران که (۱۷) آن‌ها اتفاقاً سازگار با محیط بوده به (۱۸) ادامه داده‌اند. (۱۹) کرده‌اند و (۲۰) شده‌اند. همچنین برخی از دانشمندان احتمال می‌دهند که جهان کنونی ما بر اثر (۲۱) آغاز شده و به تدریج (۲۲) یافته است. این بیان باعث شده برخی تصور کنند که پیدایش این جهان، اتفاقی و (۲۳) بوده است.

فیلسوفان اقدامات مهمی انجام می‌دهند که یکی از آن‌ها دقت در (۲۴) و نقد و تصحیح یا (۲۵) آن‌ها است. ابن‌سینا در مهم‌ترین کتاب (۲۶) خود یعنی (۲۷) درباره اتفاق و مفاهیم دیگری از قبیل (۲۸) سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در این مورد (۲۹) نماید.



بخش دوم

آزمون‌ها



تألیفی نوبت اول		سؤالات امتحانی نوبت اول		
تاریخ: / /	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	رشته: علوم انسانی	درس: فلسفه ۲	

ردیف	سؤالات	نمره																				
۱	<p>تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام نادرست است.</p> <p>الف) در عبارت «انسان موجود است»، موجود بودن اجزای ذاتی انسان است.</p> <p>ب) برای اینکه مفهوم «شکل سه‌ضلعی» را بر مفهوم «مثلث» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم.</p> <p>ج) در قضیه «عدد چهار فرد است»، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است.</p> <p>د) رابطه علیت رابطه‌ای بعد از وجود است، یعنی هر یک بعد از وجود یافتن به دیگری وابسته است.</p> <p>ه) پیدایش باران بدون ابر، به معنای این است که میان پدیده‌ها و علل آن‌ها رابطه ضروری وجود ندارد.</p> <p>و) ملاصدرا، وابستگی و نیاز به غیر را که سراسر وجود موجودات را فرا گرفته، «امکان ماهوی» نامید.</p>	۱/۵																				
۲	<p>جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.</p> <p>الف) «حیوان» و «ناطق» بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان است، به همین جهت این دو مفهوم از یکدیگر هستند.</p> <p>ب) در قضیه «مهربانی هست»، رابطه محمول با موضوع است.</p> <p>ج) دکارت معتقد بود اصل علیت بدون دخالت به دست می‌آید.</p> <p>د) معنای سوم اتفاق نبودن در حرکات و نظم جهان است.</p> <p>ه) خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی‌های روشن است و این با یونان تفاوت دارد.</p> <p>و) سهروردی معتقد است حکیمانی در ایران باستان می‌زیسته‌اند که خداوند را می‌دانستند.</p>	۱/۵																				
۳	<p>هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از موارد سمت چپ مرتبط است؟</p> <p>الف) عامل بقای ممکنات و مخلوقات از نظر ابن‌سینا <input checked="" type="radio"/> ۱- عشق <input checked="" type="radio"/></p> <p>ب) عدم اثبات یک وجود نامتناهی از طریق برهان نظم <input checked="" type="radio"/> ۲- معنای چهارم اتفاق <input checked="" type="radio"/></p> <p>ج) محمول قضیه ذاتی موضوع باشد. <input checked="" type="radio"/> ۳- توماس آکوئیناس <input checked="" type="radio"/></p> <p>د) رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده <input checked="" type="radio"/> ۴- ارتباط اجزای جهان با یکدیگر <input checked="" type="radio"/></p> <p>ه) لازمه و نتیجه اصل علیت <input checked="" type="radio"/> ۵- عقل <input checked="" type="radio"/></p> <p>و) فیلسوف گسترش‌دهنده نظرات ابن‌سینا در اروپا <input checked="" type="radio"/> ۶- رابطه وجوبی <input checked="" type="radio"/></p> <p>۷- هیوم <input checked="" type="radio"/></p>	۱/۵																				
۴	<p>گزینه مناسب را انتخاب کنید.</p> <p>الف) محمول قضیه «دیوار خانه ما سفید است» برای موضوع خود (۱- ضروری ۲- امکانی) نیست.</p> <p>ب) از نظر فیلسوفان مسلمان کشف علل امور طبیعی از طریق (۱- ادراک عقلی ۲- حس و تجربه) صورت می‌گیرد.</p> <p>ج) انکار (۱- اصل سنخیت ۲- اصل امتناع تسلسل علل)، بی‌اعتباری همه علوم و بی‌اعتنایی به آن‌ها را به دنبال دارد.</p> <p>د) بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش (۱- دینی و فلسفی ۲- استدلالی و فلسفی) استفاده کند.</p>	۱																				
۵	<p>به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.</p> <p>در گزاره‌های زیر حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و کدام نیازمند دلیل نیست؟</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th>ردیف</th> <th>گزاره</th> <th>نیازمند دلیل</th> <th>بی‌نیاز از دلیل</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱</td> <td>گرگ موجود است.</td> <td></td> <td></td> </tr> <tr> <td>۲</td> <td>انسان ناطق است.</td> <td></td> <td></td> </tr> <tr> <td>۳</td> <td>انسان مخلوق است.</td> <td></td> <td></td> </tr> <tr> <td>۴</td> <td>سگ حیوان است.</td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	ردیف	گزاره	نیازمند دلیل	بی‌نیاز از دلیل	۱	گرگ موجود است.			۲	انسان ناطق است.			۳	انسان مخلوق است.			۴	سگ حیوان است.			۱
ردیف	گزاره	نیازمند دلیل	بی‌نیاز از دلیل																			
۱	گرگ موجود است.																					
۲	انسان ناطق است.																					
۳	انسان مخلوق است.																					
۴	سگ حیوان است.																					



تألیفی نوبت اول

سؤالات امتحانی نوبت اول

تاریخ: / /

مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

رشته: علوم انسانی

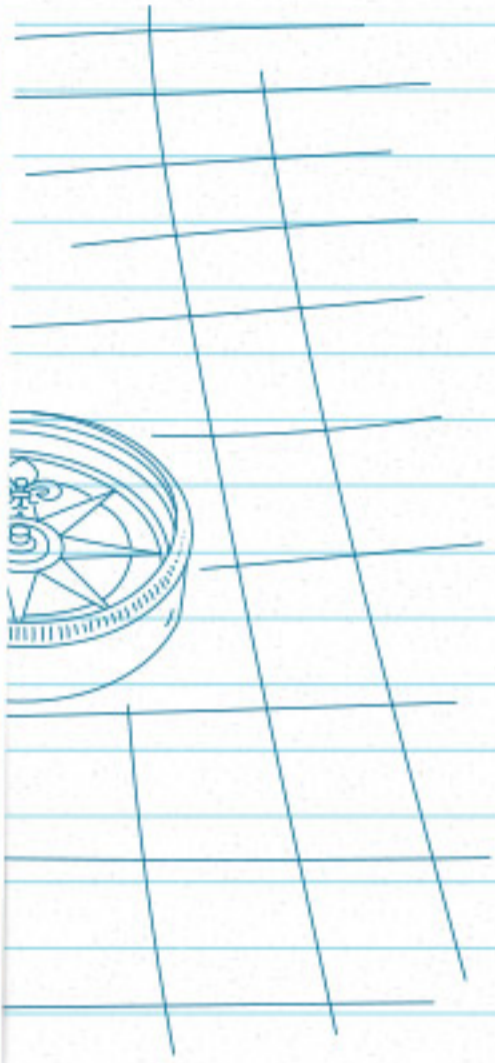
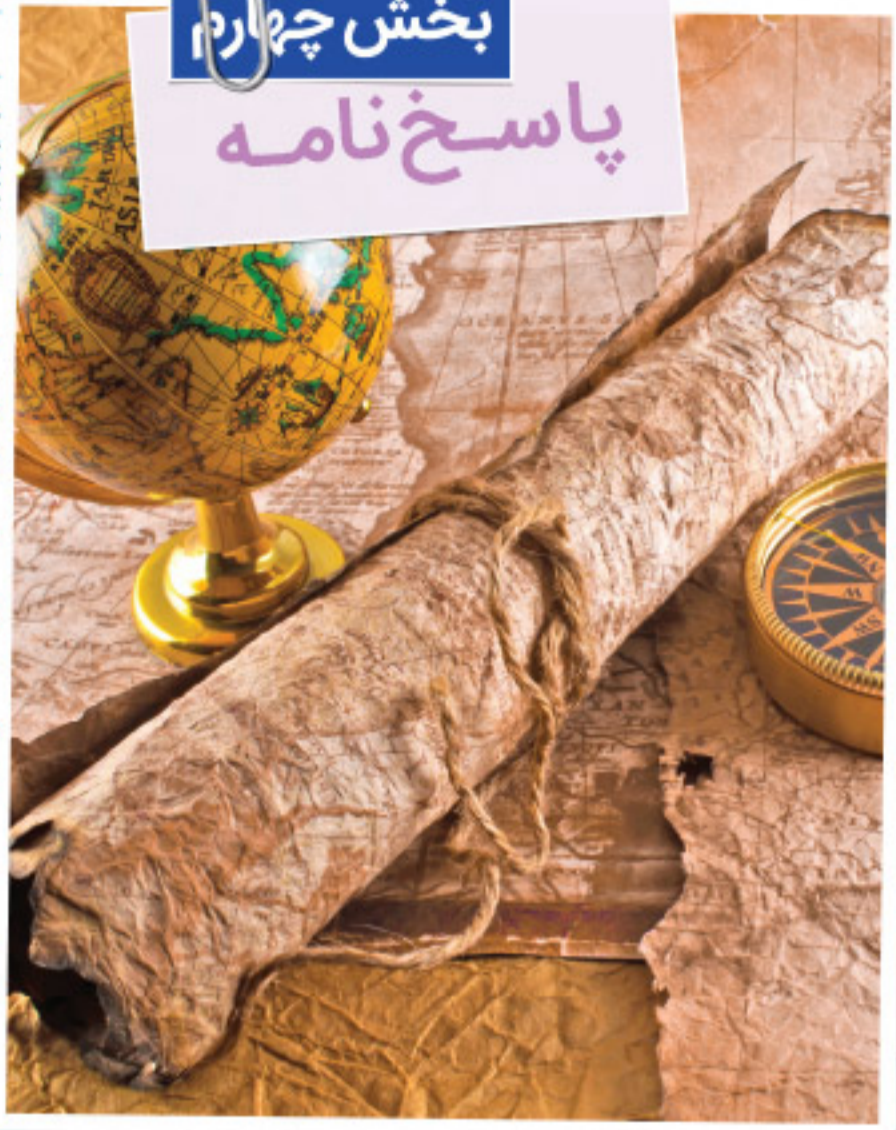
درس: فلسفه ۲

ردیف	سؤالات	نمره
۶	رابطهٔ محمول وجود با موضوعات زیر چیست؟ (وجوبی، امکانی، امتناعی) (۱) کوهی از الماس (۲) مستطیل سه‌ضلعی (۳) سیاه سفید (۴) خداوند	۱
۷	از نظر فارابی و ابن‌سینا موجودات ممکن‌الوجود چگونه در خارج تحقق می‌یابند؟	۰/۵
۸	اگر حرارت سبب یخ بستن آب شود، با کدام معنای اتفاق ارتباط دارد؟	۰/۵
۹	از نظر دموکریتوس مادهٔ اولیهٔ تشکیل‌دهندهٔ جهان چیست؟	۰/۵
۱۰	برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، چه نام دارد و در این برهان چه خصوصیت خدا را ثابت می‌کند؟	۰/۵
۱۱	از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است، آن‌ها را نام ببرید.	۰/۵
۱۲	دو مورد از «معیارهای زندگی معنادار» از نظر فیلسوفان الهی را بنویسید.	۰/۵
به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.		
۱۳	از نظر ابن‌سینا چرا مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست؟	۱
۱۴	حالت ممکن‌الوجود را به چه چیزی تشبیه کردند؟ توضیح دهید.	۱
۱۵	اصل سختیت علت و معلول را با ذکر مثالی توضیح دهید.	۱
۱۶	در فلسفه هیوم دربارهٔ اصل علیت، مفهوم تداعی چه معنایی دارد؟ با مثالی توضیح دهید.	۱/۵
۱۷	چرا پذیرفتن معنای سوم اتفاق، نفی علت نخستین و آفریتندهٔ جهان را به دنبال دارد؟	۱
۱۸	استدلال دکارت در اثبات وجود خدا را بنویسید.	۱
۱۹	از نظر کانت، مسئولیت‌پذیری و رعایت اخلاق کجا معنا دارد؟	۱
۲۰	از نظر فارابی اشکال «برتراند راسل» که مدعی بود «اگر هر چیزی باید علتی داشته باشد، پس خدا نیز نیازمند علت است» چیست؟	۱
۲۱	پیام اصلی ابن‌سینا و پیروان او دربارهٔ موجودات جهان چیست؟	۱
۲۰	جمع نمره	



بخش چهارم

پاسخ نامه



پاسخ سؤالات درس «۱»

۱. نادرست (درک دو مفهوم هستی و چیستی و تعیین نسبت میان آن دو، یکی از اولین مباحث فلسفه است، نه اولین مبحث فلسفه.)
۲. درست
۳. نادرست (هستی و چیستی (وجود و ماهیت) مفاهیمی هستند که معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.)
۴. درست
۵. درست
۶. درست
۷. نادرست (خصوصیات و ویژگی‌های مخصوص هر شیء یا موجودات دیگر متفاوت است، نه اینکه صرفاً خصوصیات اشیاء یا هم متفاوت باشند.)
۸. نادرست (اشاره با کلماتی مثل «این و آن» نشان می‌دهد که فرد موجود این اشیاء را پذیرفته است.)
۹. درست
۱۰. درست
۱۱. نادرست (ویژگی‌های مخصوص هر شیء که باعث تمایز و تفاوت اشیاء از هم می‌شوند، در فلسفه و منطق ذاتیات نامیده می‌شوند.)
۱۲. نادرست (ماهیت و چیستی هر شیء بیانگر ذاتیات آن شیء است.)
۱۳. درست
۱۴. نادرست (انسان در هر چیزی دو جنبه مشاهده می‌کند، نه دو جزء.)
۱۵. درست
۱۶. هستی (وجود) / چیستی (ماهیت)
۱۷. واقعی
۱۸. اشیاء و موجودات
۱۹. وجود آن حیوان
۲۰. مشترک - اختصاصی
۲۱. از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها، وجود و ماهیت است.
۲۲. اصل فلسفی که رفتار طبیعی انسان‌ها بیانگر آن است = اصل واقعیت
۲۳. الف) وجه اشتراک موجودات = وجود
۲۴. ب) ویژگی‌های مخصوص در منطق و فلسفه = ذاتیات
۲۵. و) بیان‌کننده ذاتیات = ماهیت
۲۶. انسان‌ها
۲۷. معمولاً
۲۸. می‌دانیم
۲۹. چیستی؟
۳۰. وجود
۳۱. ماهیت داشتن

نکته: اشاره به چیزی و پرسش از چیستی آن، پذیرش وجود و ماهیت داشتن آن است نه پذیرش علم به وجود آن. در واقع پذیرش علم به وجود مرحله بعدی از شناخت است.

۳۲. دسته دیگر موجودات ۲۸. منطق و فلسفه ۲۹. جنبه
۳۳. می‌توانند (دو شیء ای که در یک دسته قرار دارند، مثل دو انسان هم در وجود مشترک‌اند هم در ماهیت اما در اعراض مختلف‌اند.)
۳۴. اصل واقعیت بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم.
۳۵. اصل واقعیت یعنی ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.
۳۶. شناخت اشیاء یعنی آگاهی از چیستی و ماهیت آن‌ها
۳۷. ذاتیات یک شیء
۳۸. موجود بودن و چیستی داشتن
۳۹. از همان کودکی وقتی گرسنه و تشنه می‌شدیم، به سراع غذا و آب می‌رفتیم تا نیازمان را برآورده سازیم. وقتی غمگین می‌شدیم و دلمان می‌گرفت، در کنار یکی از عزیزانمان پهلوی می‌گرفتیم تا روحمان آرامش یابد و اندوهمان برطرف شود. این رفتار طبیعی ما بیانگر حقیقت و اصل فلسفی واقعیت است. در این اصل می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم، یعنی قبول داریم که مثلاً غذا و آب واقعاً هست و می‌توان با دست خود آن‌ها را برداشت و از آن‌ها استفاده کرد. در واقع ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.
۴۰. آگاهی از چیستی اشیاء یعنی شناختن آن‌ها. یعنی دانستن اینکه موجودات ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند که آن‌ها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می‌کند. این ویژگی‌های مخصوص را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می‌گویند. به عبارت دیگر، ماهیت و چیستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

۴۱. در سؤال «این چیست؟» هدف شناخت شیء و آگاهی از چیستی آن است. در این سؤال یا استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان داده می‌شود که به «وجود» شیء پی برده‌ایم و می‌دانیم که آن موجود است. علاوه بر این می‌دانیم که آن شیء ماهیت دارد، اما از ماهیت و چیستی آن آگاه نیستیم.
۴۲. می‌دانیم که وجود، وجه مشترک موجودات و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها است. ماهیت بیانگر ویژگی‌های مخصوص اشیاء است که یک موجود را از دسته دیگر موجودات جدا می‌کند. دسته دیگر موجودات این را نشان می‌دهد که اگر دو شیء در یک دسته از موجودات باشند، هم در وجود مشترک‌اند هم در ماهیت؛ مثلاً دو کتاب یا دو انسان در وجود مشترک‌اند، اما چون در یک دسته قرار دارند، در ماهیت هم اشتراک دارند، اما یک کتاب و یک انسان چون در یک دسته از موجودات نیستند، فقط در وجود مشترک‌اند و در ماهیت اختلاف دارند.
۴۳. درک این دو مفهوم و تعیین نسبت میان آن دو، یکی از مباحث اولیه فلسفه است. (۱) این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند. (۲) این دو مفهوم معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
۴۴. نادرست (این‌سینا راه قارایی در مورد نسبت میان وجود و ماهیت را ادامه داد.)
۴۵. نادرست (وقتی می‌گوییم هستی و چیستی دو مفهوم از یک چیزند، بدین معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب شده‌اند.)
۴۶. نادرست (از نگاه علوم تجربی مثل شیمی، آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است، اما از نگاه فلسفی آب، موجودی واحد است که انسان دو معنا و دو مفهوم مختلف هستی و چیستی را از همین یک موجود به دست می‌آورد.)
۴۷. درست
۴۸. درست
۴۹. نادرست (پری دریایی مفهومی است که چیستی آن را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم. در حالی که حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند و اموری که از هستی‌شان خبر داریم، اما چیستی آن‌ها چندان برایمان روشن نیست مثل روح و... هستند.)
۵۰. درست
۵۱. درست
۵۲. درست
۵۳. نادرست (در حمل‌هایی مثل انسان موجود است، نیازمند دلیل هستیم. حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض.)
۵۴. نادرست (حمل‌هایی مثل انسان حیوان است و انسان ناطق است که ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند، حمل اولی ذاتی نام دارند.)
۵۵. درست
۵۶. درست
۵۷. نادرست (گفته‌اند فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.)
۵۸. نادرست (این نظر پایه یکی از برهان‌های این‌سینا در اثبات وجود خدا به نام وجوب و امکان می‌باشد.)
۵۹. نادرست (توماس آکوئیناس که با فلسفه این‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد.)
۶۰. نادرست (توماس آکوئیناس همچون این‌سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد، اما برهان وجوب و امکان متعلق به خود این‌سیناست.)
۶۱. درست
۶۲. نادرست (توماس آکوئیناس پایه‌گذار مکتب فلسفی تومیس در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.)
۶۳. نادرست (گسترش اصل مغایرت وجود و ماهیت در اروپا، زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فرلوانی در اروپا شد و توجه خاص این‌سینا به این بحث، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت.)
۶۴. نادرست (فلسفه تومیس بیشتر متکی به دیدگاه‌های این‌سینا و تا حدودی این‌رشد بود.)
۶۵. نادرست (فلاسفه غرب از طریق فلسفه تومیس یا اندیشه‌های عقلی و فلسفی این‌سینا و این‌رشد آشنا شدند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کردند.)
۶۶. قارایی
۶۷. مفهوم - جزء
۶۸. فلسفی
۶۹. انسان - حیوان ناطق
۷۰. ماهیت (چیستی / ذاتیات)
۷۱. ذات - حقیقت
۷۲. نیازمند دلیل
۷۳. وجود و ماهیت



۱۱۷. اگر وجود در ذهن عین ماهیت باشد: (۱) وجود داشتن همه ماهیت‌ها بی‌نیاز از دلیل می‌شود: چون در این صورت حمل وجود بر ماهیت، حمل اولی ذاتی خواهد بود و هر حمل اولی ذاتی بی‌نیاز از دلیل است. (۲) نفی وجود از هیچ ماهیتی ممکن نبود: چون در صورت عدم مغایرت دو مفهوم وجود و ماهیت، اتحاد بین آن‌ها برقرار است و نمی‌توان یکی را از دیگری نفی کرد. (۳) همه ماهیت‌ها یکی می‌شوند: چون وجود، وجه اشتراک بین اشیاء بود و در صورت اتحاد با ماهیت، اختلاف اشیاء برابری یا اشتراک اشیاء خواهد بود که تناقض است. (۴) آثار و خواص مربوط به ماهیت خواهند شد: در صورت اتحاد مفهومی وجود و ماهیت، خواص وجودی اشیاء به ماهیت آن‌ها برمی‌گردد و انتظار آن خواص هنگام تصور آن‌ها را باید داشته باشیم. اگر وجود در ذهن جزء ماهیت باشد، موارد ۱ / ۲ / ۴ اتفاق خواهند افتاد.

۱۱۸. یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن‌سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و پایه‌گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است. او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد، دیگر فیلسوف مسلمان بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب یا اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن‌سینا و ابن‌رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۱۱۹. ابن‌سینا برای این نظر خود که آن را مغایرت وجود و ماهیت نامیده، دلایلی ذکر کرده است. یکی از آن دلایل به شرح زیر می‌باشد: او می‌گوید در دو گزاره انسان حیوان ناطق است و انسان موجود است، حمل وجود بر انسان یا حمل حیوان ناطق بر انسان کاملاً متفاوت است. در عبارت انسان حیوان ناطق است، انسان به وسیله حیوان ناطق تعریف شده است، یعنی حیوان و ناطق اجزای تعریفی انسان هستند و چستی او را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان می‌باشند، یعنی ذات انسان چیزی جز همان حیوان ناطق نیست. به همین جهت، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند، یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای حیوان ناطق به کار می‌رود. چون حیوان ناطق همان حقیقت و ذات انسان است، حمل حیوان ناطق بر انسان به دلیل نیاز ندارد، یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید. اما رابطه دو مفهوم وجود و انسان این‌گونه نیست. برای اینکه مفهوم وجود را بر مفهوم انسان حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم انسان موجود است. حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض. سایر ماهیت‌ها و چستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند؛ بنابراین مفهوم انسان به‌عنوان یکی از چستی‌ها یا مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست.

۱۲۰. گزاره اول: در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم چستی آن‌ها را می‌شناسیم و هم از هستی‌شان خیر داریم؛ مثل آب. گزاره دوم: برخی امور وجود دارند که از هستی‌شان خیر داریم، اما چستی آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛ مثل روح.

گزاره سوم: چستی‌های فراوانی را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ مثل گلایی پرنده. همه این گزاره‌ها یک پیش‌فرض فلسفی دارند و آن مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است، یعنی اگر این دو مغایر نبودند، گزاره‌های مثل گزاره سوم امکان نداشت و اگر ماهیتی را تصور می‌کردیم باید در همان زمان موجود می‌شد.

۱۲۱. نادرست (وجود = مشترک / ماهیت = مخصوص)

۱۲۲. نادرست (هیچ چیزی با وجود رابطه ذاتی ندارد.)

۱۲۳. نادرست (جسم ذاتی اشیاء است.) ۱۲۸. مغایرت وجود و ماهیت

۱۲۴. درست ۱۲۹. ارسطو

۱۲۵. نادرست (حیوان ناطق ذاتی انسان است.) ۱۳۰. ارسطو

۱۲۶. توماس آکوئیناس ۱۳۱. وجود

۱۲۷. وجود ۱۳۲. وجود - ماهیت

۱۲۳. زیرا شکل سه‌ضلعی از اجزای تعریفی مثلث و چستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.

۱۲۴. ابن‌سینا - توماس آکوئیناس ۱۲۵. وجود - ماهیت

۸۲. شایع صناعی

۸۴. تفکر اسلامی

۸۵. وجوب و امکان

۸۹. فلسفه تومیسیم (اندیشه‌های توماس آکوئیناس)

۹۰. (د) مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است، نه در واقعیت و خارج.

۹۱. الف) از نگاه علوم تجربی مثل شیمی، اشیاء ترکیبی از عناصر تشکیل‌دهنده‌شان هستند.

۹۲. ب) در حمل مثلث شکل است چون شکل ذاتی مثلث است، پس حمل اولی ذاتی است.

۹۳. ه) قضیه مثلث سه‌زاویه دارد چون سه‌زاویه ذاتی مثلث نیست، حمل شایع صناعی است.

نکته: شکل بودن هر شکل جزو ویژگی‌های ذاتی آن است، اما زاویه داشتن ذاتی نیست.

۹۴. ج) اجزای تعریفی هر مفهوم، چستی آن را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت آن هستند.

۹۵. ج) یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا، برهان «وجوب و امکان» نام دارد.

۹۶. و) توماس آکوئیناس پایه‌گذار مکتب فلسفی تومیسیم در قرن ۱۳ میلادی بود.

۹۷. ی) فلاسفه غرب با فلسفه تومیسیم یا اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن‌سینا و ابن‌رشد آشنا شدند و از این طریق، مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کردند.

۹۸. نیازمند به دلیل (در انسان عجول است، عجول برای انسان ذاتی نیست پس حمل شایع صناعی است و نیازمند به دلیل است.)

۹۹. هستی و چستی دو مفهوم از یک چیزند.

۱۰۰. مغایرت وجود و ماهیت و جدایی این دو در ذهن است، نه در خارج.

۱۰۱. روح (مثالی است برای چیزی که از هستی‌اش خیر داریم، اما چستی آن چندان برایمان روشن نیست.)

۱۰۲. تعریف شده است (چون حیوان و ناطق اجزای تعریفی انسان هستند.)

۱۰۳. شایع صناعی (چون در قضیه شکل مثلث است، مثلث برای شکل ذاتی نیست.)

نکته: در این سبک سوالات، به ترتیب حمل A بر B یا B بر A خیلی دقت کنید؛ مثلاً اگر مثلث بر شکل حمل شود، داریم شکل مثلث است و حمل شایع صناعی است، اما اگر شکل بر مثلث حمل شود، داریم مثلث شکل است و حمل اولی ذاتی است.

۱۰۴. اولی ذاتی (چون در قضیه مثلث شکل است، شکل برای مثلث ذاتی است.)

۱۰۵. ابن‌سینا (فلسفه توماس آکوئیناس بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود.)

۱۰۶. انسان ناطق است (چون ناطق ذاتی انسان است، اما سه‌زاویه ذاتی مثلث نیست.)

۱۰۷. ابن‌سینا (این نظر ابن‌سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه دارد.)

۱۰۸. در علوم تجربی، اشیاء ترکیبی از عناصر سازنده نگاه می‌شوند، اما در فلسفه موجودی واحد.

۱۰۹. زمانی که با هم ترکیب یا جمع شوند.

۱۱۰. حمل‌هایی مانند انسان حیوان ناطق است که در آن ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند، حمل اولی ذاتی نام دارند.

۱۱۱. چون ذات انسان چیزی جز حیوان ناطق نیست.

۱۱۲. تساوی

۱۱۳. حسی و تجربی - عقلی محض ۱۱۴. مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

۱۱۵. وقتی می‌گوییم هستی و چستی دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند. از نگاه علم شیمی، آب، ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می‌آوریم، اما از نگاه فلسفی، آب موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چستی و هستی را از همین یک موجود به دست می‌آورد، یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم. به عبارت دیگر، آب و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

۱۱۶. فلاسفه و منطق‌دانان، حمل‌هایی مانند انسان حیوان ناطق است، انسان حیوان است، انسان ناطق است، مثلث شکل سه‌ضلعی است که ذاتیات بر ذات حمل می‌شوند را حمل اولی ذاتی و حمل‌هایی مانند انسان حرکت‌کننده است و انسان موجود است که امور غیرذاتی بر ذات و ماهیت حمل می‌شوند را حمل شایع صناعی نامیده‌اند. حمل‌های اولی ذاتی چون ذاتی بر ذات حمل می‌شود، بی‌نیاز از دلیل (حس تجربی یا عقلی محض) هستند و حمل‌های شایع صناعی چون غیرذاتی بر ذات حمل می‌شود، نیازمند دلیل (حسی تجربی یا عقلی محض) هستند.



پاسخ سؤالات درس «۲»

۱۲۶. در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. اما حمل وجود بر انسان در عبارت «انسان موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

۱۲۷. در عبارت «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل شکل سه ضلعی بر مثلث یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد. اما حمل وجود بر مثلث در عبارت «مثلث موجود است»، رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.

۱۲۸. نادرست (بسیاری از مسئله‌های اساسی و بنیادین وجود دارند که همچنان ثابت مانده‌اند نه همه مسائل بنیادین).

۱۲۹. درست

۱۴۰. نادرست (اینکه محمولی می‌تواند به موضوعی حمل شود یعنی ممکن است آن قضیه یا آن حمل، امکانی یا وجوبی باشد).

نکته: در قضایای امکانی محمول هم می‌تواند به موضوع حمل شود هم نمی‌تواند به موضوع حمل شود.

۱۴۱. نادرست (موجیه و سالبه بودن قضایای ربطی به وجوبی یا امتناعی بودن آن‌ها ندارد. قضایای امتناعی هم می‌توانند موجیه باشند مثل: «مثلث چهارضلعی است» و هم می‌توانند سالبه باشند مثل «مثلث سه ضلعی نیست».)

۱۴۲. درست **نکته:** تناقض امر محل است و در قضایای امتناعی رابطه بین موضوع و محمول غیرممکن و محال است.)

۱۴۳. درست **نکته:** وقتی قضیه سالبه است باید رابطه موضوع یا نقیض محمول در نظر گرفته شود. در این مثال رابطه مثلث و چهارضلعی نبودن، همبستگی و وجوبی است.)

۱۴۴. درست **نکته:** اگر رابطه موضوع و محمول همیشگی باشد، آن قضیه وجوبی خواهد بود. اگر رابطه موضوع و نقیض محمول همیشگی باشد، آن قضیه امتناعی است.)

۱۴۵. درست **نکته:** قضایای وجوبی احتمال کذب ندارند/ قضایای امکانی احتمال صدق و کذب دارند/ قضایای امتناعی احتمال صدق ندارند.)

۱۴۶. نادرست (اگر هوای قطب شمال سرد نباشد، تناقض یا امر محال اتفاق نمی‌افتد پس قضیه امکانی است هر چند از ابتدا تا ابد هوای قطب شمال سرد باشد.)

۱۴۷. نادرست / مثلث شکل است ← وجوبی (مثلث نمی‌تواند شکل نباشد) شکل مثلث است ← امکانی (شکل می‌تواند مثلث باشد می‌تواند مثلث نباشد.)

۱۴۸. درست **نکته:** مثلث شکل است (وجوبی) \longleftrightarrow (تفسیر نسبت) مثلث شکل نیست (امتناعی)

۱۴۹. درست **نکته:** اگر ویژگی ذاتی یک مفهوم را از آن سلب یا نفی کنیم، قضیه‌ای امتناعی ساخته‌ایم.)

۱۵۰. درست **نکته:** هر حمل اولی ذاتی چون ذاتی بر ماهیت حمل می‌شود حتماً وجوبی و ضروری است ولی هر حمل وجوبی و ضروری اولی ذاتی نیست مثل «مثلث دارای زوایای داخلی 180° است».)

۱۵۱. نادرست (حمل شایع صنایع می‌تواند وجوبی باشد مثل «مثلث سه زاویه است» می‌تواند وجوبی نباشد مثل «مثلث قائم‌الزاویه است».)

۱۵۲. نادرست **نکته:** ممکن نبودن می‌تواند وجوبی یا امتناعی باشد. غیرممکن به معنای محال قطعاً امتناعی است.)

- ۱۵۳. گسترده‌ای - بنیادین (اساسی)
- ۱۵۴. رابطه میان موضوع و محمول
- ۱۵۵. ذاتی
- ۱۵۶. امکانی
- ۱۵۷. محال و ممتنع
- ۱۵۸. امکانی
- ۱۵۹. ضروری (وجوبی)
- ۱۶۰. عموم و خصوص مطلق

نکته: هر حمل امکانی شایع صنایع است (چون امکانی نمی‌تواند اولی ذاتی باشد چون همه اولی ذاتی‌ها ضروری هستند) اما هر شایع صنایع امکانی نیست (چون شایع صنایع می‌تواند ضروری باشد مثل «مثلث دارای زوایای داخلی 180° درجه است یا می‌تواند امکانی باشد مثل «مثلث قائم‌الزاویه است».)



۱۶۱. صادق (کاذب)

۱۶۲. امکانی

«ممکن نیست» در ابتدای این جمله به معنای «محال است» نیست، بلکه به معنای این است که «تا الان اتفاق نیفتاده و بعد از این هم واقع نمی‌شود».

۱۶۳. ه) بسیاری از مسائل فلسفی = ثابت

۱۶۴. د) نسبت‌های سه گانه در قضایا = حصر عقلی

۱۶۵. ج) رابطه موضوع و محمول محال در یک قضیه = امتناعی

۱۶۶. الف) مربع دارای زاویه ۴۵ درجه نیست = وجوبی

نکته: مربع دارای چهار زاویه 90° درجه است.

۱۶۷. ب) هم می‌تواند صادق باشد هم کاذب = امکانی

۱۶۸. بسیاری

۱۶۹. رابطه میان موضوع و محمول

نکته: نسبت قضیه مشخص کننده موجیه یا سالبه بودن آن است.

۱۷۰. وجوبی

۱۷۱. امتناعی

۱۷۲. ضروری

۱۷۳. انسان موجود است.

نکته: ارتفاع خط عمود بر ضلع از رأس مقابل و میانه خط نصف کننده ضلع از رأس مقابل است که فقط در مثلث‌های متساوی‌الساقین و متساوی‌الاضلاع این دو بر هم منطبق هستند ← امکانی

۱۷۴. سه (وجوبی - امکانی - امتناعی) ۱۷۵. امکانی

نکته: چون نسبت‌های سه گانه از محتوای قضایا به دست می‌آید بنابراین «الف» ب است «ممکن است وجوبی، امکانی یا امتناعی باشد».

۱۷۶. محتوا ۱۷۷. امتناعی

نکته: به عنوان مثال «مثلث سه ضلعی است» \longleftrightarrow (تفسیر نسبت) «مثلث سه ضلعی نیست» (امتناعی)

۱۷۸. رابطه‌ای که همواره صادق باشد و ربط بین موضوع و محمول آن همیشگی بود و اجتناب‌ناپذیر در صدق باشد، وجوبی است.

۱۷۹. درخت بلند است. ۱۸۰. امتناعی

۱۸۱. زیرا محمول آن یعنی «شکل سه ضلعی» برای موضوع آن یعنی «مثلث» ذاتی است.

۱۸۲. سه گونه رابطه: وجوبی - امکانی - امتناعی

۱۸۳. چه آن روز که دانشمندان تصورات محدودتری از موجودات طبیعی داشتند و چه امروز که دانسته‌اند طبیعت به این گستردگی است، بسیاری از مسئله‌های اساسی و بنیادین وجود دارند که همچنان ثابت مانده‌اند و اندیشمندان و متفکران درباره آن‌ها بحث و گفت‌وگو می‌کنند و کتاب می‌نویسند.

۱۸۴. الف) جهان متناهی است یا نامتناهی. ب) این جهان همواره بوده است یا آغازی مانند مه‌بانگ دارد؟ ج) هستی منحصر به طبیعت است یا عوالم دیگری هم وجود دارد؟ د) آیا علاوه بر موجودات جسمانی، موجودات غیرجسمانی هم وجود دارند؟ ه) آیا موجودات این جهان می‌توانستند نباشند یا موجود شدن برای آن‌ها ضروری بوده است؟ سؤال «ه» مربوط به بحث مواد سه گانه در قضایا است زیرا پرسش از اینکه موجودات می‌توانستند نباشند به این برمی‌گردد که رابطه آن‌ها با وجود امکانی است یا خیر. اگر امکانی باشد، می‌توانستند نباشند و اگر امکانی نباشند، رابطه آن‌ها با وجود قطعاً ضروری بوده است.

تذکره: از بین سؤالات «الف تا ه» سه سؤال برای پاسخ به این پرسش کافی است که حتماً باید شامل «ه» باشد. سؤالات فلسفی دیگر نیز مورد قبول خواهند بود.

۱۸۵. نسبت‌های سه گانه در قضایا مربوط به محتوای آن‌ها است و از روی محتوا قابل تشخیص است. چرا که ساختار و قضایای حملی «الف ب است / نیست» می‌باشد که این ساختار در واقع نمی‌تواند مشخص کند چه رابطه‌ای در واقعیت بین موضوع و محمول آن برقرار است. زیرا اصلاً موضوع و محمول آن مشخص نیست.

در مورد دوم نسبت‌های قضایا از جهت رابطه موضوع محمول سه نسبت است و نسبت چهارمی ندارد چون این حصر، عقلی است، به این معنا که عقل نمی‌تواند حالت چهارمی را از بین حالت‌های ممکن تصور کند مثل اینکه زاویه سه حالت دارد؛ حاده، قائمه، منفرجه و حالت چهارمی برای آن قابل تصور نیست چون عقل نمی‌تواند حالت دیگری تصور کند.

